



تایید مذاکرات ایران و آمریکا

نماینده‌ی ایران در سازمان ملل در نیویورک مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان را تأیید کرد. نمایندگی ایران در پاسخ به روزنامه‌ی وال‌استریت‌ژورنال تصریح کرد که «این مذاکرات نه اولین بار بوده است و نه آخرین بار خواهد بود.» آکسیوس پیشتر به نقل از منابعی که نام آنها را ذکر نکرده، مدعی شده بود که نمایندگان ایران و آمریکا طی هفته گذشته در کشور عمان به‌صورت غیرمستقیم درباره چگونگی پرهیز از تشدید درگیری‌های منطقه‌ای و گفت‌وگوهای هسته‌ای مذاکره کرده‌اند. به ادعای این مقام‌ها این مذاکرات با حضور برت مک‌گورک، مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا در خاورمیانه و آبرام پالی، نماینده موقت ایالات متحده در امور ایران اولین دور گفت‌وگوها بین ایالات متحده و ایران از ژانویه بوده که مذاکرات مشابهی در عمان انجام شد. این گفت‌وگوها تنها یک ماه پس از حمله پهلادی و موشکی بی‌سابقه ایران به سرزمین‌های اشغالی در ۱۳ آوریل انجام شد.



تقدیر امیر عبداللهیان از جمشید ممتاز

مراسم تجلیل از تلاش‌ها و خدمات ارزنده دکتر جمشید ممتاز، استاد و حقوقدان برجسته کشور با حضور حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه و معاونین و مدیران بین‌الملل دستگاه دیپلماسی برگزار شد. حسین امیرعبداللهیان در این مراسم از خدمات و تلاش‌های برجسته و ارزنده دکتر ممتاز، همچنین تواضع، اخلاق نیک، دانش برتر، وطن‌پرستی و عرق ملی، دفاع قوی از منافع ملی در صحنه‌های بین‌المللی، تسلط به آداب مذاکره و دیپلماسی علاوه بر استاد برجسته بودن دکتر ممتاز در دانشگاه تجلیل و تقدیر کرد. وزیر امور خارجه خطاب به دکتر ممتاز مشاور دیرین حقوقی وزارت خارجه تأکید کرد: جنابعالی همواره همکاران خود در وزارت خارجه را همچون فرزندان خود دیدید و کمک کردید و دست دوستان ما را در بحران‌ها و سختی‌ها و پیچ‌های عمیق حقوقی گرفتید و کمک ارزشمندی به همکاران ما در انجام مأموریت دیپلماتیک خود کردید. جنابعالی نه یک مشاور برای وزارت امور خارجه، بلکه استاد و راهبر بوده و هستید و این‌شاءالله سال‌های طولانی عمر بابرکتان استمرار داشته باشد و کشور و همه همکارانم و دانشجویان و دانشگاهیان کشور از وجود جنابعالی بهره‌مندباشند.



آمریکا مدرکی ندارد

نخست‌وزیر مالزی گفت، هیچ مدرکی برای اثبات ادعای آمریکا مبنی بر اینکه ارائه‌دهندگان خدمات مستقر در مالزی به ایران امکان انتقال نفت را می‌دهند، وجود ندارد. انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی در گفت‌وگو با الجزیره گفت: واشنگتن برای سوءظن خود مبنی بر دست داشتن شرکت‌های مالزیایی در انتقال کشتی به کشتی در آب‌های بین‌المللی مدرکی ارائه نکرده است. وی همچنین گفت که مالزی با تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه چهار شرکت مالزیایی در ماه دسامبر مخالف است، زیرا تحریم‌ها تنها می‌تواند توسط سازمان ملل تصمیم‌گیری شود. او گفت: اگر آنها شواهدی داشته باشند، البته ما باید شرکت‌ها را متوقف کنیم زیرا می‌خواهیم بخشی از جامعه بین‌المللی باشیم و قوانین اساسی را بپذیریم.

می‌یابد: «تاریخ به سرعت به متجاوزان خارجی این درس را داده است که افکار پوچ و خیال‌خام درباره شکستن و خردکردن ایران را رها کنند. گریه‌ها در آرزوی گرفتن موش خواهند ماند. هیچ‌کس قادر نخواهد بود ایران را درهم بشکنند و خرد کند». او در خصوص برجام نیز گفته بود: «حتی اگر یکی از طرف‌های امضانکننده توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ از آن خارج شود، این همچنان یک سند معتبر و لازم‌الاجراست. من دعا می‌کنم منطق و عقلانیت و بلوغ دیپلماتیک غالب شود.»

زاهدی در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی فارسی در پاسخ به این سوال که آیا او از جمهوری اسلامی حمایت می‌کند، گفت: «راجع به دولت و جمهوری اسلامی هیچ‌وقت صحبت نکردم و نمی‌کنم، در این موضوع عقیده‌ام بوده و هست در حالی که ما در اینجا [خارج] خوش می‌گذرانیم و خوب می‌خوریم، دلم با ایرانی‌هایی است که در ایران شرایط اقتصادی مساعد و حتی دارو ندارند. آنها را برادران و خواهران خودم می‌خوانم. دیپلمات‌های ایران الحق‌والانصاف پنج سال زحمت کشیدند و توافق‌نامه‌ای را امضا کردند اما رئیس‌جمهور آمریکا [ترامپ] آمد گفت چون رئیس‌جمهور قبلی [اوباما] که امضا کرده سیاه‌پوست است، من آن را قبول ندارم؛ این چیزها در دنیای امروز قابل قبول نیست... آمریکا و سرکایش مانند اسرائیل و سعودی در برابر ایران به زانو درآیند. آنها خلاف قانون سازمان ملل که خودشان در آن حضور دارند و در آنجا رأی دادند عمل می‌کنند. وزیر خارجه آمریکا غلط می‌کند که از خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده می‌کند، کجا خوانده؟ او بچه بوده. من نمی‌خواهم کسی از خارج برای ما تصمیم بگیرد».

بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی، زاهدی از او دفاع کرد و در مصاحبه‌ای او را با ژنرال‌های معروف تاریخ مقایسه کرده و گفته بود: «سلیمانی یکی از شخصیت‌هایی است که در دنیا شناخته شده است. سرباز وطن‌پرست و شرافتمند و بچه ساخته‌ی ایران بود. در گذشته در جنگ دوم آدم‌هایی داشتیم مثل دوگل یا مون‌تگمری یا آیزنهاور یا رومل یا مک‌کارتی که این افراد آدم‌های شرافتمندی هستند.

یکی از چیزهایی که همیشه قبلاً هم گفته‌ام وزیر خارجه آمریکا آدم بدبختی است که حرفش را عوض می‌کند. این قانون بین‌الملل است که خود بدبخت آمریکا امضا کرده، چطور یک وزیر خارجه این حرف را می‌زند؟ این جنایت جنگی است یا می‌گوید سلیمانی تروویست بود. بزرگ‌ترین تروویست خود آمریکا است. در کشوری که دولت و مجلس دارد و کسی را که میهمان آن کشور بوده و برای اقدامات ضدتروویستی با این کشور همکاری می‌کرده، می‌کشد؛ بعد هم می‌گوید ما مدرک داریم. چرا نشان نمی‌دهند مدارک را؟ مگر آمریکا قانون و مجلس ندارد؟ مگر نباید در کنگره تصویب کند؟ اینها خیال می‌کنند همه کر و کور خرنند. گیر کرده‌اند در گل. مستأصل شده‌اند. هر روز یک کار غلط می‌کنند... هر کسی هر چیزی دلش می‌خواهد بگوید. این سربازان و افسران و به بالا فرماندهان] به قرآن و مملکت‌شان قسم خوردند و برای مملکت‌شان مقابل اسرائیل جنگیدند و از مملکت‌شان دفاع کردند. من به او [قاسم سلیمانی] افتخار می‌کردم، افتخار می‌کنم و افتخار خواهم کرد، کسی که جان خودش را در راه مملکتش فدا کرد نه کسانی که خودش را به پول فروخته‌اند. ۶۰ میلیون از جمعیت امروز ایرانی سواد دارند و ۴۰ میلیون آنها مدرسه و دانشگاه رفته یا دکتر و مهندس هستند. ۲۰ میلیون از این جمعیت خانم‌ها هستند و این سرمایه‌ای است که بسیاری از کشورها آن را ندارند. من به منابع انسانی ایران افتخار می‌کنم. من به قدرت ارتش ایران که برای مملکت خودش قسم خورده افتخار می‌کنم، به همین دلیل با یک ژنرال‌ش بد بودند؛ آنها بر خلاف قوانین بین‌المللی چه کردند؟ بعد به سایرین می‌گویند شما تروویست هستید و تروویست کسانی هستند که بر خلاف قوانین ترووی می‌کنند و بعد می‌گویند افتخار می‌کنیم که ترور کردیم».

زاهدی حتی علیه فعالیت‌های رضا پهلوی و سایر افراد اپوزیسیون موضع‌گیری کرده و گفت: «تصور براندازی در ایران خوش‌خیالی است... اینها [اپوزیسیون] از کجا پول می‌گیرند؟ چه کسی از آنها پشتیبانی می‌کند؟ چقدر ارتش و نیروی نظامی در اختیار دارند؟... ایران امروز دارای ارتش و نیروهای نظامی و پلیس و... است. چطور می‌خواهند به ایران بروند؟ با هوایمانی جت شخصی؟! من بسیاری از این افراد را می‌شناسم... آنها از خارجی‌ها پول می‌گیرند و علیه مردم ایران فعالیت می‌کنند. من آنها را خائن می‌دانم». در نوشته‌اش در نیویورک‌تایمز هم آورده بود: «ایرانی‌هایی که در خارج می‌گویند بروید آنجا بمب بیاندازید، به نظرم آنها دیگر ایرانی نیستند و شرافت‌شان را فروختند و از خارج پول می‌گیرند». در مصاحبه دیگری هم گفته بود: «کسانی که از خارجی‌ها پول می‌گیرند و بر علیه مملکت‌شان حرف می‌زنند، اینها لایق بدترین فحش هستند؛ مثل کسی که پستان مادرش را گاز می‌گیرد. باکی ندارم از گفتنش».

اردشیر زاهدی ۲۷ آبان ۱۴۰۰ در ۹۳سالگی در خانه موروثی بازمانده از فضل‌الله زاهدی در مونترو سوئیس درگذشت؛ خانه‌ای که پدرش نیز در ۱۱ شهریور ۱۳۴۲ در آنجا درگذشت. اردشیر زاهدی سه جلد کتاب خاطرات و یک جلد کتاب درباره وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در جای مانده، که از منابع تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود.

مخالفت‌های کارکنان وزارت امور خارجه با او شده بود اما در نهایت اختلاف او با نخست‌وزیر امیرعباس هویدا بود که موجب کناره‌گیری او از وزارت امور خارجه شد.

اردشیر زاهدی در دوران زندگی سیاسی خود در دوره پهلوی دوبار به عنوان سفیر ایران در آمریکا انتخاب شد. بار اول از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ به واشنگتن فرستاده شد که با توجه به سن زاهدی در این زمان و اهمیت پست سفارت در آمریکا، نشان‌دهنده روابط خاص میان اردشیر زاهدی و محمدرضاشاه از یک‌سو و واشنگتن از سوی دیگر بود. در این دوره شاه درصدد بود از ارتباطات زاهدی با مقامات آمریکایی در راستای تحکیم پایه‌های سلطنت خود استفاده کند. اردشیر در دوران دولت امینی سفیر ایران در آمریکا بود و از طریق دوستان آمریکایی خود در جهت حذف امینی به نفع شاه تلاش می‌کرد. به هر روی سفارت زاهدی دیری نپایید و وی در اسفند ۱۳۴۰ به تهران فراخوانده شد. افشگرهای دانشجویان ایرانی ساکن آمریکا علیه زاهدی و ترس و بی‌بسی که دکتر امینی از ماندگار شدن اردشیر داشت، دلیل این فراخوانی بود.

اردشیر زاهدی بار دیگر در اسفند ۱۳۵۱ به‌عنوان سفیر ایران به آمریکا فرستاده شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت باقی بود. بدون شک سفارتخانه ایران در آمریکا در دومین دوره سفارت اردشیر زاهدی، جنجالی‌ترین نمایندگی سیاسی ایران نزد کشورهای خارجی بود. سفارتخانه ایران در این دوره کانون مهمی برای مذاکرات سیاسی بود و با برگزاری مهمانی‌های پرخرج در مکان سفارتخانه و دادن هدیه‌های گران‌قیمت شهرت فراوانی یافت. زاهدی از این دوره به بعد تا دی ماه ۱۳۵۷ نقش مهمی در روابط بین ایران و آمریکا ایفا کرد. پس از آغاز ریاست‌جمهوری کانتز و شش ماه پیش از مسافرت رئیس‌جمهور آمریکا به ایران در سال ۱۳۵۶، اردشیر زاهدی، در مهمانی بزرگ باشگاه روزنامه‌نگاران واشنگتن که به نام «شب ایران» ترتیب داده شده بود، شرکت کرد و در برابر ۴۰۰ نفر از خبرنگاران و نمایندگان دو مجلس آمریکا و دیپلمات‌های کشورهای مختلف روابط ایران و آمریکا را از هر حیث روابط ممتاز خواند و برای کارتر آرزوی موفقیت کرد.

▼ زاهدی پس از انقلاب

در جریان وقوع انقلاب اسلامی، اردشیر زاهدی تلاش فراوانی برای حفظ رژیم سلطنتی کرد و در این راه از تمامی روابط خود در آمریکا بهره گرفت. او با برژینسکی و کارتر دیدار و گفت‌وگو کرد. اردشیر زاهدی در مورد حمایت‌های کارتر از شاه در خاطرات خود چنین می‌گوید: «رئیس‌جمهور آمریکا از من می‌خواست به شاه بگویم محکم بایستد و هرچه به مصلحت و امکان‌پذیر می‌داند، عمل کند. از جمله به من یادآوری کرد به شاه بگویم که نگران وعده‌ای که برای رعایت حقوق بشر در ایران داده است، نشود».

زاهدی تا آخرین روزهای حضورش در ایران با مقامات آمریکایی در ارتباط بود اما تلاش‌های او راه به جایی نبرد و به ناچار از کشور گریخت. در ۲۲ بهمن، اردشیر زاهدی سرانجام سفارت ایران در واشنگتن را ترک کرد. وی پیش از آنکه سفارت را ترک کند، اسناد مهم را از سفارت بیرون برد. پس از آن مدتی در آمریکا ماند و سپس به سوئیس رفت. اردشیر زاهدی در سال‌های پایانی عمرش که در سوئیس اقامت داشت به‌طور عجیبی به انتقاد از دوران پهلوی و جانبداری از جمهوری اسلامی روی آورد. او در یکی از این اظهاراتش در گفت‌وگو با روزنامه جام‌جم گفت: «ما نباید اجازه دهیم که دوباره استیلای آمریکا و انگلیس تکرار شود. این را خطاب به جوان‌ها می‌گویم که تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران را بخوانند تا ببینند که متأسفانه، همیشه اجنبی‌ها به ایران زور گرفته‌اند. ایران باید قدرت داشته باشد تا بتواند در مقابل زورگویی خارجی‌ها بایستد. یادم هست بچه که بودم، پدر مرا با آن فضاخت دزدیدند و ما همین‌طور ویلان و سرگردان، بدون پدر و مادر مانده بودیم! از خانه می‌خواستیم برویم جایی، باید به سرباز روسی یا انگلیسی یا آمریکایی حساب پس می‌دادیم که: از کجا آمده‌ایم و کجا می‌خواهیم برویم؛ نوی خانه خودمان، با ما مثل دزدها رفتار می‌کردند!» زاهدی که در دوران وزارت خارجه به نمایندگی از ایران پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده بود در دفاع از فعالیت‌های هسته‌ای ایران بارها سخن گفت و با فراتر گذاشت و با پرداخت هزینه آگهی در نیویورک‌تایمز به دفاع از جمهوری اسلامی ایران مقاله نوشت. زاهدی در نامه‌ای که اردیبهشت ۱۳۹۹ در ستون آگهی‌ها در روزنامه نیویورک‌تایمز با عنوان «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه» منتشر کرد، به آمریکا توصیه کرد به ایران حمله نظامی نداشته باشد. این نامه که شش روز بعد از نوشته‌شدن منتشر شده، حضور ایران در سوریه را به دعوت دولت این کشور دانسته و هم‌زمان از عربستان به دلیل بمباران یک مراسم عروسی در یمن انتقاد کرد

فراوانی در ارتباط با دخالت نیروهای آمریکایی در کودتای سال ۱۳۳۲ و همکاری زاهدی با آنها وجود دارد. اردشیر در جریان کودتا نقش مترجم میان پدرش و کریمیت روزولت فرمانده آمریکایی عملیات کودتا را برعهده داشت.

بعدها وقتی مادلین آلبرایت، وزیر خارجه وقت آمریکا، در دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی ضمن یک سخنرانی به نقش آمریکایی‌ها در کودتای ۲۸ مرداد اعتراف کرد، زاهدی به او اعتراض کرد. آلبرایت در این سخنرانی گفت: «در سال ۱۹۵۳ ایالات متحده نقش برجسته‌ای در سازماندهی براندازی نخست‌وزیر مردمی ایران، محمد مصدق، برعهده داشت. دولت آیزنهاور اعتقاد داشت که این اقدام به دلایل استراتژیک قابل توجیه است. اما کودتا آشکارا موجب یک عقب‌گرد در امر توسعه سیاسی ایران شد. اکنون درک آن آسان است که چرا بسیاری از ایرانیان کماکان از این مداخله آمریکا در امور داخلی‌شان برآشفته‌اند.» اردشیر زاهدی درباره اظهارات مادلین آلبرایت نوشته است: «این حرف‌های خانم آلبرایت دلایل سیاسی روز داشت و می‌خواست با این حرف‌های بی‌پایه دل ایرانی‌ها را برای بهبود روابط دو کشور به دست آورد و ضمناً برای کشور خود هم سابقه و اقتدار کسب کند. من برای آلبرایت نامه نوشتم و گفتم که شما از تاریخ اطلاع ندارید.»

اردشیر زاهدی پس از کودتا نشان درجه یک رستاکسیر را از شاه دریافت کرد و در آبان ۱۳۳۲ به‌عنوان آجودان کشوری شاه انتخاب شد. اردشیر زاهدی به‌عنوان آجودان شاه به خاندان سلطنتی بسیار نزدیک شد و در سال ۱۳۳۶ با شهنواز پهلوی دختر فوزیه اولین همسر محمدرضاپهلوی ازدواج کرد. شاید نقش اردشیر در کودتا بود که او را شایسته عنوان داماد شاه بودن کرد. شهنواز پس از جدایی فوزیه از شاه مورد بی‌اعتنایی پدرش بود و عملاً رابطه چندانی میان دختر و پدر وجود نداشت. اما این ازدواج امتیازی بزرگ برای اردشیر زاهدی محسوب می‌شد چراکه او را بیش از پیش به خاندان سلطنتی و شخص شاه نزدیک کرد. هر چند گويا اشرف پهلوی به شدت با این ازدواج مخالف بود و مایل بود شهنواز با پسر خودش ازدواج کند. ازدواج اردشیر و شهنواز فرجامی نیافت و در سال ۱۳۴۳ به جدایی انجامید. عجیب اینکه این جدایی از شهنواز، رابطه میان محمدرضاشاه و اردشیر زاهدی را چندان تحت تأثیر قرار نداد و شاه در امور مملکتی همچنان با اردشیر زاهدی مشورت می‌کرد و به او اعتماد داشت. به دلیل حضور گسترده دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا و فعالیت‌های سیاسی که در میان آنان علیه سلطنت درگرفته بود، شاه را وادار کرد تا نماینده‌ای برای این منظور انتخاب کند. به همین منظور در سال ۱۳۳۸ اردشیر زاهدی به‌عنوان نماینده محمدرضاشاه، برای تماس با دانشجویان ایرانی در اروپا انتخاب شد: «آقای اردشیر زاهدی با آقای دکتر عزیز، سرپرست دانشجویان از هامبورگ به شهرهای مختلف آلمان مسافرت نموده و برای پی‌بردن به روحیه و افکار دانشجویان با آنان تماس حاصل می‌نمایند. از قرار معلوم این مأموریت از طرف ذات ملوکانه به ایشان محول گردیده است.»

اردشیر زاهدی بعدها نیز که به‌عنوان سفیر ایران راهی لندن و واشنگتن شد، همچنان در امور سرپرستی دانشجویان ایرانی دخالت می‌کرد و در تلاش برای جهت‌دهی به افکار دانشجویان در جلسات مختلفی حضور می‌یافت و می‌کوشید با دانشجویان ناراضی ایرانی ارتباط برقرار کند. زاهدی در سال ۱۳۳۸ سفیر ایران در واشنگتن شد، اما پس از اعتراض دانشجویان ایرانی و اختلاف با دولت علی امینی در سال ۱۳۴۰ به ایران فراخوانده شد. در دولت اسدالله علم، اردشیر زاهدی به سفارت کبرای ایران در انگلستان منصوب و در سال ۱۳۴۱ عازم لندن شد و به مدت ۴ سال در این سمت باقی بود.

▼ وزارت امور خارجه

سلطنت محمدرضاشاه به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد به میزان زیادی وابسته به حمایت آمریکا بود و در سیاست‌های کلان در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و جهت‌گیری‌های بین‌المللی هم‌سویی و اشتراک گسترده‌ای با آمریکایی‌ها داشت و همه کسانی که به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شدند، دارای روابطی با آمریکایی‌ها بودند و عموماً سابقه سفارت در واشنگتن را داشتند. اردشیر زاهدی با توجه به وابستگی و روابط خوبی که با آمریکایی‌ها داشت، فردی مناسب برای کسب مقام وزارت امور خارجه به‌شمار می‌آمد. زاهدی در اواخر سال ۱۳۴۵ در کابینه امیرعباس هویدا، به‌عنوان وزیر امور خارجه انتخاب شد و محمدرضاشاه طی حکمی، انتخاب اردشیر زاهدی را در سمت وزارت امور خارجه مورد تأیید قرار داد: «نظر به پیشینه‌ها جناب آقای امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر به موجب این دستخط جناب اردشیر زاهدی را به سمت وزارت امور خارجه منصوب و مقرر می‌داریم که در انجام وظایف محوله اقدام نماید.»

اردشیر زاهدی در مقام وزارت امور خارجه دو پرونده مهم مسئله آب هیرمند میان ایران و افغانستان و ادعاهای مرزی عراق علیه ایران را پیگیری کرد اما در مورد شیوه کار او نارضایتی‌های زیادی در وزارت امور خارجه وجود داشت. اردشیر زاهدی بسیار بددهن بود و از زبردست‌شود نیز بی‌بی‌احترامی رفتار می‌کرد. نوع رفتار زاهدی موجب